

DOI: 10.82458/jss.2026.1201832

**Research Paper**

**Presenting the structural model of the mediating role  
of art orientation in relation to identity styles,  
moral intelligence and deviant behaviors of adolescents**

**Toba Sortichi**

*Ph. D. Student in Counseling, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.*

**Mohammad Ghamari**

*Professor of Counseling Department, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author). E-mail: mo.ghamari@iau.ac.ir*

**Simin Hoseinian**

*Professor of Counseling Department, Alzahra University, Tehran, Iran.*

**Introduction:** Adolescent students are the main group with behavioral problems, and one of the types of dangers that threaten teenagers is the tendency to engage in risky behaviors. The current research was conducted with the aim of providing a structural model to determine the mediating role of art orientation in the relationship between identity styles, moral intelligence, and deviant behaviors of teenagers.

**Methodology:** This research is descriptive and correlational. The statistical population in this research included all the first secondary students of Neka city in the academic year of 2023-2024. The number of samples in this research was 300 people who were selected by cluster random sampling method. The research tools were Berzonsky's identity style questionnaire, moral intelligence questionnaire, Holland questionnaire and deviant behavior questionnaire. The statistical method in this research was structural equation modeling. SmartPLS software was used for modeling.

**Results:** The results showed that the research model has a suitable fit and the relationship between direct and indirect effects (Significant number > 2.58) of the variable of students' deviant behaviors can be explained by identity styles and moral intelligence with the mediating role of inclination towards art.

**Conclusion:** The findings of this research indicate that the inclination towards art can serve as a mediating variable in explaining the relationship between identity styles and moral intelligence with deviant behaviors of adolescents. These results can provide practical implications for reducing deviant behaviors in teenagers and improving their psychological condition.

***Conflict of interest:***

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

**Key words:** *Tendency to Art, Identity Styles, Moral Intelligence, Deviant Behaviors, Teenagers, Structural Model.*

## ارایه مدل ساختاری نقش میانجی گرایش به هنر در رابطه با سبک‌های هویت، هوش اخلاقی با رفتارهای انحرافی نوجوانان

طوبی سورتیچی<sup>۱</sup>

محمد قمری<sup>۲</sup>

سپین حسینیان<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۴/۹/۱۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲

### چکیده

دانش آموزان نوجوان، به عنوان گروه اصلی در بروز مشکلات رفتاری می‌باشند و یکی از انواع خطرات که نوجوانان را تهدید می‌کند، گرایش به رفتارهای پرخطر است. مقاله حاضر با هدف ارایه مدل ساختاری تعیین نقش میانجی گرایش به هنر در رابطه بین سبک‌های هویت، هوش اخلاقی با رفتارهای انحرافی نوجوانان انجام شده است.

این پژوهش از نوع توصیفی همبستگی است؛ جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان نکا در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۰۳ بود. تعداد نمونه در این پژوهش ۳۰۰ نفر بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه‌های سبک‌های هویت بزونسکی، پرسشنامه هوش اخلاقی، پرسشنامه هالند و پرسشنامه رفتارهای انحرافی بود. روش آماری در این پژوهش از نوع مدلیابی معادلات ساختاری بود. برای انجام مباحث مدلسازی، از نرم افزار Smart PLS بهره گرفته شد. نتایج نشان داد مدل پژوهش، دارای برازش مناسب می‌باشد و رابطه اثرات مستقیم و غیر مستقیم (عدد معناداری < از ۲,۵۸) متغیر رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان توسط سبک‌های هویت و هوش اخلاقی با نقش میانجی گرایش به هنر قابل تبیین می‌باشد که به نوبه خود می‌تواند تلویحات کاربردی در جهت کاهش رفتارهای انحرافی نوجوانان و بهبود وضعیت روان‌شناختی آنان ارایه دهد.

واژگان کلیدی: گرایش به هنر، سبک‌های هویت، هوش اخلاقی، رفتارهای انحرافی، نوجوانان، مدل ساختاری.

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد، گروه مشاوره، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: mo.ghamari@iau.ac.ir

۳. استاد، گروه مشاوره، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

## مقدمه و بیان مسئله

رفتار انسان آن قدر پیچیده است که توصیف آن به خودی خود و شکل دادن به هنجارهای خاصی که مورد قبول همه باشد، و ارزیابی همه افراد فقط در چارچوب این هنجارها، ساده‌لوحانه خواهد بود. به همین دلیل، توصیف همه رفتارها به عنوان مظاهر انحراف و نسبت دادن آن‌ها به یک مفهوم اجتماعی یکسان، نادرست خواهد بود (۵۲). زیرا انحرافات خاصی را می‌توان در هر فرد مشاهده کرد. بنابراین، اگر همه این نشانه‌های انحراف را انحراف بنامیم، انحراف‌شناسی تمام رفتارهای انسان را به عنوان یک دسته بزرگ در بر می‌گیرد. با این حال، انسان از نظر طبیعت و شخصیت بسیار غنی است و رفتار او باید مورد مطالعه قرار گیرد (۱۴).

هر رفتار و عملی یک دلیل واقعی و یک منبع دارد. از چیزی سرچشمه می‌گیرد، شاید خشم، غضب، یک اتفاق خوشایند، فرآیندهایی که در خانواده یا محیط اجتماعی و روابط جمعی رخ می‌دهد؛ دلایل بسیار زیاد است و نوع و ماهیت رفتار نیز بسته به شخصیت و منش فرد متفاوت است. افراد به طور طبیعی از نظر روحیات، هوش و ادراک و توانایی‌های تفکر با یکدیگر متفاوت هستند، اعمال، واکنش‌ها به وقایع و رویکردهای آن‌ها به مسائل متنوع و رنگارنگ است. هر فردی می‌تواند از یک رویداد که رخ داده است، نتایج مثبت یا منفی بگیرد. این می‌تواند او را به انحراف سوق دهد یا آن را به طور موقت به یک عادت تبدیل کند. منبع اصلی انحراف را باید در یک سیستم اجتماعی با طیف اجتماعی و وسیع جستجو کرد. با نوسازی سیستم‌های اجتماعی، این امر تأثیر زیادی بر روان و آگاهی افراد می‌گذارد. تعیین انحراف اولیه در افراد بسیار دشوار است. این ممکن است در نگاه اول مشاهده نشود. با این حال، وقتی عوارض و انحراف بعداً ظاهر می‌شود، پیشگیری از آن بسیار دشوارتر می‌شود. دشواری موضوع هم‌چنین به این دلیل است که فرد احساس گناه نمی‌کند و آن را طبیعی می‌داند، در حالی که در واقع وضعیت کاملاً پیچیده و ترسناک است، اگر محکومیت عمومی وجود نداشته باشد، او به این رفتارهایی که "عادی" می‌داند ادامه خواهد داد، در نتیجه، رفتارهای انحرافی او را به مسیر غیراخلاقی سوق می‌دهد. به عنوان مثال، هر جوان یا کودکی که هنوز به نوجوانی نرسیده است، ممکن است در لحظه اول مواجهه با آن متوجه نشود (۴۱).

نوجوانی دوره تغییرات مهم در زندگی اجتماعی افراد است و مهم‌ترین و حساس‌ترین مرحله رشد به حساب می‌آید. زیرا بروز و ظهور صفات جنسی ثانویه و بلوغ در این دوره آن را از اهمیت خاصی برخوردار می‌سازد. دانش‌آموزان نوجوان به عنوان گروه اصلی در بروز مشکلات رفتاری می‌شوند (۲۲). یکی از انواع خطرات که نوجوانان را تهدید می‌کند، گرایش به رفتارهای پرخطر است (۴۰). گرایش به رفتارهای پرخطر شامل رفتارهایی است که فرد را در معرض به خود قرار می‌دهد و البته بیشتر صاحب‌نظران بر این باورند که آسیب مربوط به خود فرد نیست، بلکه شعاع آسیب دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عوامل مختلفی در تبیین رفتارهای انحرافی می‌توان اشاره نمود. هویت، اخلاق، مسایل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر کدام می‌توانند زمینه ساز بروز انحرافات باشند. مطالعات کارشناسان هم‌چنین خاطر نشان

می‌کند که عوامل مهمی وجود دارند که مشکل انحرافی را ایجاد می‌کنند که کل جامعه و جهان را نگران می‌کند، که یکی از آن‌ها عوامل اجتماعی انحراف است. طبیعتاً اولین مورد از عوامل اجتماعی - اقتصادی مربوط به زندگی خانوادگی و تربیت فرد است. جی. میردوک، که تحقیقاتی در مورد روابط خانوادگی انجام داده است، معتقد بود که کارکردهای اصلی خانواده شامل جنبه‌های جنسی، تولیدمثلی، آموزشی (یا اجتماعی شدن)، هویت‌یابی و غیره است (۴). هر یک از این کارکردها اهمیت خاص خود را دارند. با این حال، هنگامی که به جامعه از منظر جلوگیری از شیوع برخی جرایم، یعنی رفتارهای انحرافی، نگاه می‌شود، کارکرد آموزشی از بین آن‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

مسئله هویت و هویت‌یابی مسئله مهمی است که سال‌ها ذهن روان‌شناسان و جامعه‌شناسان را به خود مشغول ساخته و منجر به ارایه نظریه‌ها و پژوهش‌های مختلفی شده است. بیشتر روان‌شناسان و نظریه‌پردازان شخصیت هویت را در ابتدا امری فردی و شخصی می‌دانند، البته آن‌ها هویت اجتماعی را هم انکار نمی‌کنند بلکه از یکدیگر متمایز می‌دانند. از نظر اریکسون (۱۹۶۳)، پنجمین مرحله رشد تحولی احراز هویت در برابر پراکندگی نقش است. مرحله‌ای که اگر بخواهیم با سنین آموز شگاهی توأمان بدانیم از سن متوسط اول دانش‌آموزان شروع می‌شود. در این مرحله فرد در جستجوی من یا هویت خویش است و سعی می‌کند عناصر پراکنده شخصیت خود را با هم مرتبط سازد و تعارض‌های قبلی را از نو تجربه کند.

در شکل‌گیری هویت عوامل مختلفی تاثیر دارند بدین معنی که در فرایند تحول هویت و شکل‌گیری آن در کنار عوامل فردی، عوامل مختلف محیطی نیز تاثیر گذارند. محتوای هویت را گاهی مذهب، شغل، نقش جنسی و جهت‌گیری سیاسی شکل می‌دهد و یا بر اساس نظریه شناختی - اجتماعی برزونسکی (۲۰۰۳)، محتوای هویت توسط اسنادها، صفات و یا عناصری که هویت به و سیله آن تعریف می‌شود شکل می‌گیرد. با این حال، در زندگی معمولی، هویت‌هایی که ساخته می‌شوند و به دیگران منتقل می‌شوند، اغلب با ترجیحات افراد مرتبط است؛ چیزهایی که به آن‌ها اهمیت می‌دهند و دوست دارند. به ترجیحات زیبایی شناختی و هنرها نیز می‌توانند ارتباط تنگاتنگی با (خود) داشته باشند و تعبیر در ذائقه و ارزش‌های زیبایی شناختی ممکن است به عنوان تعبیر در شخصیت تلقی شود. هنر یکی از دیرین‌ترین و بنیادین‌ترین عرصه‌های تبلور و تجلی روح انسان است (۳۲)، و جنبه‌های اصلی هویت ما را ترجیحات فرهنگی و هنری تشکیل می‌دهند (۲۲). بنابراین، مسائل مربوط به رفتار با نوجوانان در همه خانواده‌ها باید همیشه در مرکز توجه قرار گیرد (۳) و (۳۰). تحقیقات نجواف (۲۰۲۵)، نشان می‌دهد که ظهور شکل‌گیری اخلاقی و توسعه کافی آن، کفایت پدیده‌هایی مانند خودآموزی، عزت نفس و خودنگری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تقویت ایده‌های مربوط به کیفیت اخلاقی در جوانان در بیشتر موارد به سایه‌های اجتماعی - روان شناختی شرايطی که در آن قرار دارند بستگی دارد. تعدادی از مطالعات نشان داده‌اند که تغییرات در

ارزش‌های اخلاقی به عنوان تغییر در هویت شخصی تعبیر می‌شود (۲۲). اخلاق از دیر باز مورد توجه بوده است اما هوش اخلاقی اصطلاح نسبتاً جدیدی است که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در سال‌های اخیر، مشخص شده است که چگونگی شکل‌گیری کیفیت معنوی و اخلاق در جامعه مدرن و این که کدام جنبه‌ها در پیدایش آن غالب هستند، در واقع یک موضوع مهم برای مطالعه جامع این مسئله است. برای تعیین ماهیت این مفهوم، قبل از هر چیز، باید به منابع معتبر روان‌شناختی، اخلاقی، فلسفی مراجعه کرد و تعدادی از مسائل مورد علاقه افراد، از جمله جنبه‌های روان‌شناختی و رشد معنوی را روشن کرد. باید متفاوت از سیستم‌های یکپارچه‌ای که از نظر محتوا به آن نزدیک هستند، توصیف شوند و ویژگی‌های اصلی که آن‌ها را تعمیم داده و متمایز می‌کنند، توضیح داده شوند (۴۱). یکی از عوامل مؤثر در غلبه و جلوگیری از رفتارهای انحرافی خردسالان و نوجوانان، وجود جهت‌گیری انسان‌گرایانه نهادهای اجتماعی و آموزشی، استفاده فعال از پتانسیل آموزشی فرهنگ و هنر و هنر-زیبایی‌شناسی است. مشارکت در هنر به سلامت جامعه کمک می‌کند، تحمل اجتماعی را تقویت می‌کند و پرخاشگری نسبت به دیگران را کاهش می‌دهد. بدیهی است که اقدامات لازم برای جلوگیری از رفتارهای ضد اجتماعی در نوجوانان، قبل از هر چیز، باید با هدف هشدار زود هنگام و اصلاح، با در نظر گرفتن روش‌ها و رویکردهای علمی مدرن، منابع و فرصت‌ها انجام شود (۳۴).

رویکردهای پیشگیری از رفتار انحرافی در نوجوانان از سه دهه پیش با تأکید بر حمایت از جوانان قبل از بروز رفتارهای مشکل‌ساز آغاز شد. محققان و متخصصان به طور فزاینده‌ای در پی درک زمینه‌های زندگی کودکان (خانواده‌ها، مدارس، جوامع، گروه‌های همسالان) بودند (۱۰). بسیاری از محققان توجه زیادی به نقش آموزش هنر و فرهنگ در پیشگیری از انحرافات و رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان داشته‌اند (۱۶).

با توجه به نقش حساس دوره نوجوانی و گرایش به رفتارهای پرخطر و یافتن هویت در این دوره، بحث در این مورد یکی از دغدغه‌های اصلی خانواده، آموزش و پرورش و در سطح کلان در جامعه می‌باشد. از طرفی پیدا کردن فاکتورهای تاثیرگذار بر هویت، سبک‌های هویت می‌تواند راهنمای عملی پیش روی پژوهشگران قرار دهد تا علاوه بر آگاه‌سازی افراد از این نیاز به هویت‌خواهی، بلکه آموزش و جایگزین مناسب به جای این هویت‌های اکتباسی ارائه دهد و افراد را در دست‌یابی به یک هویت یکپارچه یاری دهد که در این بین می‌توان از هوش اخلاقی و سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز بهره برد. بنابراین هدف پژوهش حاضر تعیین برآزش مدل گرایش به رفتارهای انحرافی نوجوانان بر اساس سبک‌های هویت، هوش اخلاقی با نقش میانجی گرایش به هنر می‌باشد.

### مبانی نظری

انحرافات اجتماعی یک از چالش‌های مهم در علم جامعه‌شناسی است. این معضل آن قدر ابعاد و جنبه‌های فراوان دارد که نمی‌توان آن را صرفاً یک مسئله اجتماعی دانست. چرا که این مشکل ریشه در حوزه‌های دیگر نیز دارد. بنابراین همان طور که جامعه‌شناسان خود را مستحق می‌دانند که انحرافات اجتماعی را مطالعه و بررسی کنند، زیست‌شناسان، روان‌شناسان و ... نیز به خود اجازه می‌دهند که این موضوع را با نگاه ویژه خودشان تحلیل کنند. کجرفتاری شامل انواع بسیاری از رفتارهای نابهنجار است که اشکالی از آن در هر جامعه‌ای روی می‌دهد. گفته شده که رفتار نرمال یا بهنجار، هر نوع رفتاری است که از هنجارها یا مقررات گروهی که رفتار مزبور در آن روی می‌دهد تبعیت کند (۱۱). در مقابل، کجرفتاری هر نوع رفتاری است که با هنجارها یا مقررات گروه، هم‌نوایی نداشته باشد (۱۲)، و دامنه وسیعی از رفتارها، از تخلفات جزئی در رانندگی تا قتل را در بر می‌گیرد.

مجموعه صاحب‌نظرانی که تعریفی از کجرفتاری ارائه داده‌اند را می‌توان به دو گروه بزرگ تقسیم کرد. یک گروه آنان که کجرفتاری را پدیده‌ای «واقعی» و دارای صفاتی می‌دانند که از رفتارهای بهنجار قابل تشخیص و تفکیک است (۳۲). دسته دوم آنان که مدعی‌اند کجرفتاری لزوماً واقعی نیست و چه بسیارند کسانی که به غیر حق متهم به کاری می‌شوند و به اشتباه و یا از روی غرض و مرض برچسب می‌خورند. از سوی دیگر صرف ارتکاب نوعی خاص از رفتار چنانچه عده‌ای متوجه نشوند یا قدرت انگ‌زنی نداشته باشند لزوماً کسی را کجرفتار نمی‌کند. بنابراین، از نظر این گروه اساساً این «انگ» است و نه نفس رفتار که کسی را کجرفتار می‌کند (۱۸). دسته اول «اثبات‌گرایان» اند که معمولاً کجروی را ذاتاً واقعی و گروه دوم «برساخت‌گرایان» اند که اغلب کجروی را نوعی فرآورده اجتماعی - ایده‌ای که به وسیله جامعه به برخی رفتارها نسبت داده شده می‌دانند (۱۱). اثبات‌گرایان را به دلیل این نوع تعریف از کجرفتاری و صفات دیگری که برای آن قائل‌اند، عین‌گرا، مطلق‌گرا، جبرگرا، ساختارگرا، واقعیت‌گرا و ماهیت‌گرا نامیده‌اند (۲۷). بر ساخت‌گرایان را هم به شبیه همین دلایل، انسان‌گرا، ذهن‌گرا، نسبت‌گرا، اختیارگرا، فردگرا، تعریف‌گرا، انتقادی و پست‌مدرن خوانده‌اند (۱۲).

جامعه‌شناسان در تلاش‌اند تا بدانند علت و عواملی که برای پدید آمدن جرم مؤثر است چیست، لذا در موارد وقوع جرم به دنبال علل و عواملی هستند که باعث پدید آمدن و به وقوع پیوستن جرم گردیده است (۱۲). اما جامعه‌شناسان وجود خرده فرهنگ‌ها را علتی برای به وجود آمدن جرم در افراد جامعه می‌دانند. وقتی خرده فرهنگ که فرد در آن رشد می‌کند نتواند در راستای فرهنگ کل جامعه حرکت کند و با آن سازگاری داشته باشد، در آن صورت جرم و انحراف در جامعه به وقوع خواهد پیوست. به طور مفهومی رفتارهای انحرافی طیف وسیعی از رفتارهایی را که طی آن افراد قواعد و هنجارهای سازمان محل کار خود را زیر پا می‌گذارند و هزینه‌های آشکار و پنهان و آسیب‌هایی به سازمان و افراد مرتبط با آن وارد می‌کنند، در بر می‌گیرد (۱۱). نسل دوم تلاش‌های پیشگیرانه با هدف استفاده از اطلاعات مربوط به پیش‌بینی‌کننده‌ها

برای قطع فرآیندهایی که منجر به مشکلات رفتاری خاص نوجوانان می‌شوند، انجام شد. بسیاری از محققان خاطر نشان کرده‌اند که برنامه‌های پیشگیری از رفتارهای انحرافی، پیش‌بینی‌کننده‌های تجربی در نوجوانان، مانند تأثیرات همسالان و جامعه و هنجارهای اجتماعی که چنین رفتاری را توجیه یا ترویج می‌کنند، را در نظر گرفته‌اند (۱۸).

این اقدامات پیشگیرانه اغلب توسط نظریه‌هایی در مورد چگونگی تصمیم‌گیری افراد، مانند نظریه عمل منطقی و مدل باور سلامت، هدایت می‌شدند. بسیاری از آن‌ها از تأکید بر عواملی که به رشد مثبت جوانان کمک می‌کنند، و همچنین تمرکز بر پیشگیری از مشکلات دارند، حمایت می‌کردند. این نگرانی به گسترش طراحی برنامه‌های پیشگیری کمک کرده است تا مؤلفه‌هایی را با هدف ارتقای رشد مثبت جوانان در بر بگیرد. این امر منجر به ظهور این اجماع شده است که گذار موفقیت‌آمیز به بزرگسالی مستلزم چیزی بیش از پرهیز صرف از مواد مخدر و خشونت است. ارتقای رشد اجتماعی، عاطفی، رفتاری، اخلاقی و شناختی کودکان به عنوان کلید پیشگیری از رفتارهای مشکل‌ساز تلقی می‌شود (۱۰). یکی از عواملی که به اجتماعی شدن کودکان کمک می‌کند عامل هویت و هویت‌یابی در نوجوانان است که فرایندش از خانواده آغاز می‌شود و سبک‌های مختلفی را شکل می‌دهد. از نظر لغوی واژه هویت به دو معنای ظاهراً متناقض به کار می‌رود:

۱. همسانی و یکنواختی مطلق

۲. تمایز.

جاکوبسن (۱۹۹۸)، معتقد است اگرچه این دو معنا متضادند ولی به دو جنبه اصلی هویت معطوف هستند. بیشتر روان‌شناسان و نظریه‌پردازان شخصیت هویت را در ابتدا امری فردی و شخصی می‌دانند البته آن‌ها هویت اجتماعی را هم انکار نمی‌کنند بلکه از یکدیگر متمایز می‌دانند. در این دیدگاه هویت، احساس تمایز شخصی، احساس تداوم شخصی و احساس استدلال شخصی تعریف می‌شود.

بیابان‌گرد (۱۳۸۰)، خاطر نشان می‌سازد که حداقل چهار مسئله اساسی در فردیت هویت وجود دارد:

۱. انسانی: این احساس که فرد وجود دارد.

۲. جنسیت: احساس فرد از مردانگی و زنانگی

۳. فردیت: این شناخت که فردی خاص و بی‌نظیر است.

۴. پایداری: این آگاهی که فرد همان شخصی است که روز قبل بوده است.

در مقابل روان‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان معتقدند که احساس هویت (فردی) به واسطه دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد؛ آن‌ها می‌پذیرند هویت در نگرش‌ها و احساسات افراد نفوذ می‌یابد اما بستر شکل‌گیری آن زندگی اجتماعی است. افراد بی‌همتا و متغیرند ولی شخصیت به شکل اجتماعی و به واسطه مراحل مختلف اجتماعی شدن ساخته می‌شود. جنکینز (۱۳۸۱)، معتقد است زاده شدن فرایندی را آغاز می‌کند که به موجب آن افراد در جهان اجتماعی پذیرفته می‌شوند و در چارچوب آن هویت‌هایی را اختیار می‌کنند.

مدل شناختی- اجتماعی هویت، بر تفاوت‌هایی تأکید می‌کند که نوجوانان، اطلاعات مربوط به خود را پردازش می‌کنند، تصمیم‌گیری می‌کنند، مسائل خود را حل می‌کنند و نظریه «خود» را می‌سازند و بازسازی می‌کنند. برزونسکی معتقد است که جهت‌گیری‌های پردازش هویت حداقل در سه سطح مختلف عمل می‌کند:

۱. سطح اساسی‌تر، شامل پاسخ‌های شناختی و رفتاری است که افراد هنگام روبرو شدن با مسائل و تکالیف روزانه به کار می‌برند.

۲. سطح میانی، شامل راهبردهای شناختی- اجتماعی است که مجموعه‌های سازمان یافته رفتاری را شکل می‌دهند.

۳. عمومی‌ترین سطح سبک هویت، به راهبردهایی مربوط می‌شود که افراد هنگام پرداختن به موضوعات مرتبط با هویت به کار می‌برند یا ترجیح می‌دهند.

مدل برزونسکی روی تفاوت‌های فردی در زمینه پردازش شناختی- اجتماعی نوجوانان در رویارویی با مسائل مربوط به خود و هویت تأکید کرده است. در این راستا وی سه جهت‌گیری متفاوت فرایندی یا سه سبک پردازش هویت را مشخص کرده است: اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم / اجتنابی (۶).

در دوران بلوغ، خانواده‌ها شاهد تحول در زمینه فرهنگی، اخلاقی و دینی نوجوانان هستند. بسیاری از نوجوانان مشکل دار، دچار رشد نایافتگی و خودمحوری هستند. رشد ارزش‌ها و باورهای اخلاقی، پدیده بسیار پیچیده‌ای است و باید جوانب مختلف شناختی، عاطفی، رفتاری و فرهنگی- اجتماعی آن را مورد توجه قرار داد. از این میان توجه به هوش اخلاقی نیز نکته‌ای قابل تأمل است. پژوهشگران هوش اخلاقی را ظرفیت و توانایی درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آن‌ها و رفتار در جهت صحیح و درست تعریف می‌کنند. پژوهش‌های محققان تعلیم و تربیت نشان داده کودکانی که به هر دلیل هوش اخلاقی کسب نکرده‌اند در معرض خطرهای جدی قرار دارند. این کودکان به دلیل وجدان متزلزل، ضعف در مهار کردن امیال، رشد نیافتگی حساسیت‌های اخلاقی و باورهایی که به گونه‌ای نادرست هدایت شده، تا حد زیادی به عقب افتادگی اخلاقی و اجتماعی دچار و در بزرگسالی به شخصیت‌های نابهنجار و ناموفق تبدیل می‌شوند. شاید بتوان گفت مهم‌ترین نکته در مبحث هوش اخلاقی این است که این هوش به طور کامل آموختنی و قابل یادگیری است و به هیچ وجه جنبه وراثتی ندارد و تنها از طریق تربیت به کودکان منتقل می‌شود. بهترین زمان آموزش هوش اخلاقی در فرزندان از دوره نوزادی تا پایان نوجوانی است و تعلل والدین در این زمینه موجب ضعف بالقوه کودکان در یادگیری فضایل اخلاقی و ایجاد عادات مخرب می‌شود (۵۱).

اختلال در روابط نوجوانان با خانواده، زمینه جدایی نوجوانان از بافت خانواده را فراهم می‌سازد (۳۸). از طرفی رفتارهای انحرافی، به بافتی که فرد در آن زندگی می‌کند و درگیر است و یا برچسبی که جامعه می‌زند مرتبط است (۶). بنابراین ایجاد بافت فرهنگی که مناسب روحیه و توانایی و پتانسیل فرد باشد می‌تواند

راهگشا باشد. یکی از این بافت‌های فرهنگی می‌تواند محیط هنری باشد که فرد در آن قرار دارد. به نظر می‌رسد گرایش به هنر را که به عنوان گرایش و علاقمندی افراد به فعالیت‌ها و امور هنری که طیف گسترده‌ای از خطاطی، نقاشی، موسیقی و ... را در بر می‌گیرد تعریف می‌شود. می‌توان به عنوان جایگزینی برای رفتارهای مجرمانه معرفی نمود. بسیاری از محققان توجه زیادی به نقش آموزش هنر و فرهنگ در پیشگیری از انحرافات و رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان داشته‌اند (۱۶). اشکال هنری به دلیل پتانسیل آن‌ها در افزایش سریع عزت نفس دانش‌آموزان و هنر به عنوان وسیله‌ای برای یادگیری مهارت‌های مرتبط با کار مانند حل مسئله، تفکر انتقادی، توانایی تکمیل جدول زمانی، کار تیمی و پیگیری امور تکمیلی موفقیت-آمیز کار، در پژوهش بولکشوا و همکاران (۲۰۲۱)، مورد توجه قرار گرفته است. در مواقعی که به مسئله اساسی تعادل صحیح بین ویژگی‌های فردی و مهارت‌های بین فردی با توجه به پیشینه هنری و استعداد خلاق پرداخته‌اند (۴۷). هم‌چنین هنگامی که دریافت کنندگان آموزش شروع به احساس اعتماد به نفس بیشتری با مهارت‌ها و تکنیک‌های هنری می‌کنند، هویت توسعه می‌یابد (۱۸). توسعه هویت به عنوان یک هنر درمانگر با تغییر در ادراک دانش‌آموزان از هنر از ادراک اولیه به عنوان زیبایی‌شناختی و محصول محور، به مشاهده هنر به عنوان یک مفهوم پیچیده‌تر، یک رویکرد درمانی، و یک شکل بیان مشخص می‌شود (۴۷). بنابراین با توجه به بررسی ادبیات پژوهش جستار پیشرو به دنبال ارائه مدل ساختاری است.



تحقیقات تجربی در مورد توسعه هویت حرفه‌ای دانشجویان هنر درمانی نشان می‌دهد که این هویت از طریق کسب دانش و مهارت در طول آموزش آن‌ها شکل می‌گیرد (۱۸). مسائل پیرامون نقش هویت فقط توضیح در مورد آن را مفید نمی‌داند بلکه بحث در مورد آن را ضروری می‌نماید. استراتژی‌های کلی به مسایلی که به صورت مستقیم به سازماندهی هویت مربوط می‌شود را بیان می‌کند در حالی که بعضی عناصر می‌توانند مفید باشند و نکات مرکزی را تشکیل دهند. در سال‌های اخیر، مطالعات جنبه‌های مختلف توسعه هویت حرفه‌ای در دانش‌آموزان را مورد بررسی قرار داده‌اند (۱۸) و (۴۶). یکی از این جنبه‌ها برنامه آموزش هنر درمانی می‌باشد. توسعه هویت حرفه‌ای در دانش‌آموزان هنر درمانی، همراه با رشد دانش و مهارت‌های آن‌ها، از اهداف کلیدی آموزش هنر درمانی است (۱۸) و (۴۷). این خود گواه تاثیر نقش هنر بر رشد و توسعه هویت شخصی و حرفه‌ای کودکان است. لذا دست یافتن به هویتی منسجم و یکپارچه که بتواند تمامی این جوانب را هماهنگ و همراستا سازد، از ضروریات این دوره برای نوجوانان محسوب می‌شود.

نتایج پژوهش بهرامی، زندی، اکبری و جدیدی (۶)، که با عنوان تدوین مدل علی رفتارهای پر خطر بر اساس سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری با نقش میانجی هویت اخلاقی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه) صورت گرفته نشان داده است هویت اخلاقی، سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری بر رفتارهای پرخطر دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه اثر معنی‌داری دارد.

نتایج پژوهش ایساکیان و لوکانیوکان (۴۴)، با عنوان «جستجو در مورد هویت اجتماعی نوجوانان دارای رفتار انحرافی» نشان داده تحلیل فناوری‌های روان‌شناختی و تربیتی برای شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان دارای رفتار انحرافی، مفید بوده و امکان استفاده از الگوهای رفتار موفق و مورد تأیید اجتماعی را برای جنبه‌های مختلف زندگی نوجوانان تأیید کرده است. همچنین نتایج پژوهش بی‌بی و همکاران (۱۰)، با عنوان «رابطه بین خودپنداره و رفتار انحرافی نوجوانان در پاکستان» نشان داده بین خودپنداره و رفتارهای انحرافی نوجوانان رابطه معنادار وجود دارد.

در پژوهشی که گراوند (۲۴)، با عنوان «مدل‌یابی ساختاری سبک‌های هویت با گرایش به رفتارهای پرخطر در دانشجویان: نقش واسطه‌ای ناگویی هیجانی» انجام داده است مشخص شده است که سبک‌های هویت سردرگم-اجتنابی و تعهد بر گرایش به رفتارهای پرخطر تأثیر مستقیم داشتند. همچنین، سبک‌های هویت سردرگم-اجتنابی و تعهد به واسطه‌ی ناگویی هیجانی بر گرایش به رفتارهای پرخطر تأثیر غیر مستقیم داشتند. سبک هویت هنجاری بر گرایش به رفتارهای پرخطر و ناگویی هیجانی اثر مستقیم داشت، اما سبک هویت اطلاعاتی بر گرایش به رفتارهای پرخطر و ناگویی هیجانی اثر مستقیم نداشت. علاوه بر این، ناگویی هیجانی بر گرایش به رفتارهای پرخطر دارای اثر مستقیم بود. در واقع افراد دارای سبک هویت تعهد، هیجان‌ات مثبت بیشتری را تجربه خواهند کرد و بهتر هیجان‌ات خویش را تنظیم می‌کنند، اما افراد دارای سبک هویت سردرگم-اجتنابی، نارسایی در فهم، وصف و پردازش هیجان دارند، که این امر سبب گرایش آنان به رفتارهای پرخطر (مصرف مواد، سیگار، و مصرف الکل و ...) می‌شود. لذا

پیشنهاد می‌شود متصديان آموزشی با پرداختن به هویت ایرانی - اسلامی، موجبات هدایت دانشجویان را به سوی سبک هویت تعهد و با آموزش دانشجویان دارای سبک هویت سردرگم - اجتنابی، ناگویی هیجانی را در آن‌ها کاهش دهند تا گرایش آنان به رفتارهای پرخطر کمتر شود. هم‌چنین در پژوهشی که میری، سهراب‌زاده و خوش‌بیانی آرائی (۳۹)، با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تمایل به ارتکاب رفتارهای انحرافی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان» انجام دادند؛ بررسی روابط بین متغیرها بیانگر این است که میزان وقوع رفتارهای انحرافی در بین پسران بیشتر از دختران می‌باشد. یافته‌ها هم‌چنین نشان می‌دهد که متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق که شامل (میزان روابط دوستانه، گروه‌های مرجع، میزان رضایت‌مندی از زندگی، میزان پیوستگی اجتماعی، تضاد ارزشی، رعایت هنجارهای اجتماعی، تأیید کنترل اجتماعی و مشروعیت اجتماعی) است به خوبی تمایل به ارتکاب رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان را تبیین می‌کنند. نتایج حاصل از تحلیل‌های رگرسیونی نشان داده که این عوامل به طور هم‌زمان ۰/۶۱ بر تمایل به ارتکاب رفتارهای انحرافی تأثیرگذار می‌باشد. هم‌چنین پژوهش مرجان آل بهبهانی (۲)، با عنوان «هوش اخلاقی، سبک‌های هویت و سازگاری در نوجوانان» نشان داد که بین هوش اخلاقی، سازگاری، سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. اما بین هوش اخلاقی و سبک هویت پراکنده اجتنابی رابطه معناداری وجود ندارد. یافته‌های پژوهش علیزاده (۳)، نشان داد که بین مولفه‌های هوش اخلاقی (۰/۴۱۶) و هوش هیجانی (۰/۴۰۱) با رفتار اخلاقی کارکنان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان کرمانشاه ارتباط معنی‌دار و مستقیمی وجود دارد. هم‌چنین پژوهش با عنوان "بررسی رابطه انواع سرمایه خانواده و گرایش به رفتارهای پرخطر (مورد مطالعه: دانش‌آموزان شهر و روستای مقطع متوسطه دوم شهرستان الشتر) که نعمت‌الهی و طاهری (۴۳)، انجام دادند بیانگر آن است که از بین متغیرهای سرمایه‌ای خانواده، ۳ متغیر سرمایه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به ترتیب شدت ضریب رابطه، با رفتار پرخطر رابطه غیرمستقیم و معنادار دارند. در مطالعات قبلی نشان داده شده که هویت، سبک‌های هویت، هویت اجتماعی، هوش اخلاقی و سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی از عوامل مؤثر بر پیش‌بینی رفتارهای انحرافی نوجوانان است؛ اما مطالعات انجام شده در این زمینه محدود می‌باشد و امکان دستیابی به نتیجه‌گیری کلی و تدوین برنامه‌های کاربردی را دشوار می‌سازد. به همین دلیل پژوهش حاضر با هدف مدل‌یابی رفتارهای انحرافی بر اساس سبک‌های هویت، هوش اخلاقی با نقش میانجی گرایش به هنر انجام شد.

### روش پژوهش

این پژوهش با توجه به هدف آن از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها به روش توصیفی و از نوع طرح‌های همبستگی و روش مدل‌یابی معادلات ساختاری می‌باشد؛ هم - چنین پژوهش حاضر به لحاظ نوع داده از نوع کمی است. به علت ناتوانی روش‌های آماری همبستگی و

رگرسیون در تبیین روابط علت و معلولی میان متغیرها، روش الگویابی معادلات ساختاری کاربرد زیادی پیدا کرده است. با آن که این روش محدودیت روش‌های مذکور را برطرف نموده است، اما می‌توان آن را ترکیبی از روش‌های مذکور و تحلیل عامل تاییدی قلمداد نمود (۲۹). بنابراین پژوهش حاضر از نوع توصیفی همبستگی با کمک معادلات ساختاری است.

### جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان نکا (مجموعاً ۴۲۰۰ نفر) در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۰۳ بود. برای انتخاب نمونه‌های مورد پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی از نوع خوشه‌ای استفاده شد، به این صورت که ابتدا شهرستان نکا به ۲ ناحیه شهری و روستایی تقسیم شد. سپس از هر دو ناحیه تعداد ۶ دبیرستان انتخاب شد و از هر دبیرستان ۲ کلاس به عنوان واحد نمونه‌گیری در نظر گرفته شد. با توجه به نوع مطالعه و تعداد متغیرهای پیش‌بین در تحلیل معادلات ساختاری بنا به توصیه محققان (۵۷)، کلین (۲۰۱۵)، در کتاب خود تحت عنوان اصول و تمارین مدل‌سازی معادلات ساختاری بیان می‌دارد که برای مدل‌های ساده حداقل ۱۰۰ نفر نمونه و برای مدل‌های پیچیده‌تر حداقل ۲۰۰ نفر نمونه مورد نیاز است. همچنین وی در اکثر مقالات و کتب منتشر شده در خصوص حداقل حجم نمونه زمانی که آزمون آماری تحلیل عاملی تاییدی یا مدل ساختاری باشد توصیه می‌کند که حداقل حجم نمونه باید ۲۰۰ آزمودنی باشد. سایر نظریه‌پردازان برجسته و صاحب‌نظر که نظریات آن‌ها به طور گسترده در حوزه مدل‌سازی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی تاییدی مورد استفاده قرار می‌گیرد نیز حداقل حجم نمونه ۲۰۰ نفر را به عنوان یک قاعده عمومی و مناسب برای مدل‌سازی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی پیشنهاد می‌کنند. در هر صورت باید در نظر داشت حجم نمونه بزرگ‌تر باعث افزایش قدرت آماری دقت و تعمیم‌پذیری بیشتر نتایج خواهد شد. لذا در این پژوهش با توجه به استفاده از آزمون تحلیل عاملی تاییدی ۳۰۰ پاسخ‌دهنده به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد.

### ابزارها

#### پرسشنامه سبک هویت<sup>۱</sup>

پرسشنامه سبک هویت برزونسکی به منظور هویت افراد توسط برزونسکی در سال ۱۹۸۹ ساخته و در سال ۱۹۹۲ مورد تجدیدنظر قرار گرفت. این آزمون یک ابزار خود گزارشی ۴۰ عبارتی است که از ۴ زیر مقیاس تشکیل یافته است که شامل جهت‌گیری اطلاعاتی، جهت‌گیری هنجاری، جهت‌گیری سردرگم /

اجتنابی و تعهد است. روایی آن از طریق ارزیابی همبستگی با مقیاس وضعیت هویت بنیون و آدامز<sup>۱</sup> (۱۹۸۶)، تأیید شده است (۹).

غضنفری (۲۵)، نیز ضریب پایایی آن را از طریق آلفای کرانباخ به دست آورده است. آلفای کرانباخ به دست آمده برای هر یک از زیر مقیاس‌ها عبارت بود از: تعهد ۰,۷۵، جهت‌گیری هنجاری ۰,۷۲، جهت‌گیری سردرگم / اجتنابی ۰,۸۲، جهت‌گیری اطلاعاتی ۰,۷۶، و مقیاس کل ۰,۸۳.

### پرسشنامه هوش اخلاقی<sup>۲</sup>

پرسشنامه توسط لنینک و کیل در سال ۲۰۰۵ اعتباریابی شده است. این پرسشنامه در ده بعد و شامل ۴۰ عبارت است و به صورت لیکرت (هرگز، به ندرت، گاهی اوقات، اغلب و تمام اوقات) نمره‌گذاری شده‌اند. پرسشنامه شامل ابعاد عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزش‌ها و باورها، راستگویی، استقامت و پافشاری برای حق، وفای به عهد، مسئولیت‌پذیری برای تصمیمات شخصی، اقرار به اشتباهات و شکست‌ها، قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران، فعالانه علاقمند بودن به دیگران، توانایی در بخشش اشتباهات خود، توانایی در بخشش اشتباهات دیگران می‌باشد. این پرسشنامه در پژوهش قرمزی (۲۶)، اعتباریابی شده است. روایی صوری و محتوایی و هماهنگی درونی مولفه‌های آن توسط متخصصان مورد تأیید قرار گرفته است (۳۷). بیشترین همبستگی درونی بین بخشش و دلسوزی با هوش اخلاقی ۰/۸۶ و کمترین همبستگی بین درستکاری با هوش اخلاقی ۰/۶۶ می‌باشد. نتایج تحلیل عاملی مولفه‌های هوش اخلاقی نشان داده است که درستکاری با بار عاملی ۰/۶۴، مسئولیت‌پذیری ۰/۸۱، دلسوزی ۰/۸۴ و بخشش ۰/۸۳ دارای ۸۰ درصد اشتراک هستند (۴۱).

### پرسشنامه گرایش به هنر<sup>۳</sup>

پرسشنامه رغبت سنج تحصیلی و شغلی هالند: تست رغبت سنج هالند؛ نامی است که از نام جان ال. هالند، روان‌شناس مشهور آمریکایی گرفته است. این تست از دهه ۱۹۵۰ میلادی توسعه یافته است و در حوزه مشاوره شغلی بسیار مرسوم است. تست هالند شامل ۳۰ مجموعه سؤال است که بر اساس علایق در انجام وظایف مختلف، افراد را ارزیابی می‌کند. این تست برای دامنه سنی گسترده‌ای مناسب است. همچنین پرسشنامه رغبت سنج تحصیلی و شغلی هالند دارای روایی و اعتبار و نمره‌گذاری استاندارد است.

1. Adams, G. R.  
2. Moral Intelligence Questionnaire  
3. Art Orientation Questionnaire  
4. Holland Interest Test

پرسشنامه رفتارهای انحرافی<sup>۱</sup>

این پرسشنامه دارای ۱۸ سؤال بوده و هدف آن ارزیابی میزان گرایش به رفتارهای ناپه‌نجان در بین دانش‌آموزان می‌باشد. طیف پاسخ‌دهی آن از نوع لیکرت پنج گزینه‌ای می‌باشد.

این پرسشنامه دارای ۴ بعد (روحیه وندالیستی، خشونت و درگیری، دزدی و تقلب و تمرد و سرکشی) می‌باشد. برای به دست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، امتیازات مربوط به تک تک سئوال‌ها را با هم جمع نمایید. این امتیاز دامنه‌ای از ۱۸ تا ۱۰۸ خواهد داشت. در پژوهش رستمی و راد (۱۳۹۲)، اعتبار صوری و محتوایی این پرسشنامه تحت نظر اساتید دانشگاهی به تأیید رسیده است. پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت: روحیه وندالیستی ۰/۶۳، خشونت و درگیری ۰/۶۹، دزدی و تقلب ۰/۶۱، تمرد و سرکشی ۰/۷۱.

روش آماری پژوهش از نوع معادلات رگرسیونی ساختاری با استفاده از نرم افزار Smart pls v 3 بود. این مطالعه توسط کمیته اخلاق پزشکی دانشگاه واحد علوم تحقیقات با شناسه اخلاق IR.IAU.SRB.REC.1403.107 مورد تأیید قرار گرفت.

## یافته‌ها

در جدول (۱)، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مربوط به متغیرهای پژوهش نمایش داده شده است. لازم به ذکر است، کمینه و بیشینه هر یک از متغیرهای زیر به ترتیب ۱ و ۵ می‌باشد.

جدول شماره (۱): توصیف آماری متغیرهای پژوهش

بعد	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
جهت‌گیری اطلاعاتی	۳,۳۷	۰,۶۲	۰,۲۲	-۰,۳۴
جهت‌گیری هنجاری	۳,۲۳	۰,۷۸	-۰,۰۶	۰,۳۷
جهت‌گیری سردرگم / اجتنابی	۳,۳۱	۰,۸۴	-۰,۱۱	-۰,۵۴
تمهد	۳,۳۸	۰,۶۱	۰,۱۵	-۰,۲۹
هوش اخلاقی	۳,۲۲	۰,۷۹	-۰,۰۲	-۰,۱۵
گرایش به هنر	۳,۲۴	۰,۷۶	۰,۰۵	۰,۰۷
رفتارهای انحرافی	۳,۱۹	۰,۷۷	-۰,۰۳	۰,۳۵

اطلاعات جدول فوق مشخصه‌های آماری هم‌چون میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی را برای متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد. هم‌چنین، با توجه به مقادیر چولگی و کشیدگی که در بازه معقول

(۲- و ۲) برای حدس بر نرمال بودن داده‌ها قرار دارند، می‌توان فرض نرمال بودن داده‌ها را مطرح کرده و پذیرفت.

پس از بررسی نرمال بودن داده‌ها، رابطه (همبستگی) بین متغیرهای پژوهش، مورد ارزیابی قرار گرفته است. بنابراین، از آزمون همبستگی استفاده شده است و نتایج آن در ماتریس جدول (۲) آورده شده است.

**جدول شماره (۲): ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش**

سازه	جهت‌گیری اطلاعاتی	جهت‌گیری هنجاری	جهت‌گیری سردرگم / اجتنابی	تمهد	هوش اخلاقی	گرایش به هنر
همبستگی	**۰,۶۰۲	**۰,۵۹۸	**۰,۵۸۶	**۰,۵۵۷	**۰,۵۳۹	۱,۰۰۰
گرایش به هنر	سطح معناداری	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
همبستگی	**۰,۵۹۱	**۰,۵۸۷	**۰,۵۷۳	**۰,۵۴۰	**۰,۵۳۱	۰,۵۱۳
رفتارهای انحرافی	سطح معناداری	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰

همان‌طور که از ماتریس فوق مشخص است، علامت \*\* نشان دهنده وجود همبستگی بین متغیرهای پژوهش در سطح ۰,۰۱ را نشان می‌دهد. یعنی، بین متغیرهای پژوهش رابطه معنادار وجود دارد.

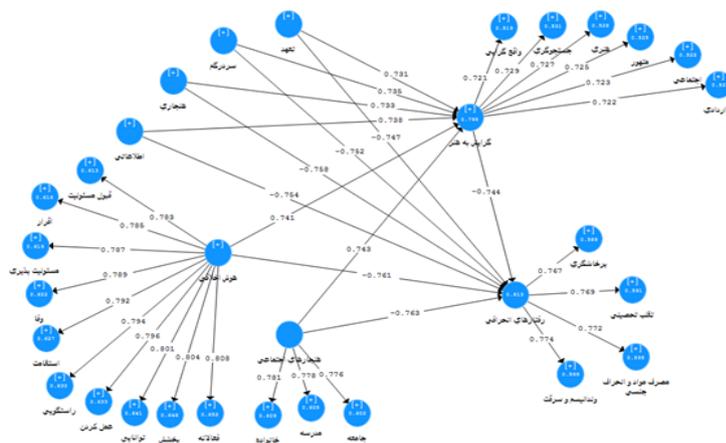
جهت آزمون الگوی پیشنهادی رفتارهای انحرافی بر اساس سبک‌های هویت و هوش اخلاقی با نقش میانجی گرایش به هنر، از روش الگویایی معادلات ساختاری استفاده شد. در ابتدا مفروضه‌های زیربنایی مدل معادلات ساختاری بررسی شد. جهت بررسی نرمال بودن متغیرها از کجی و کشیدگی متغیرها و آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد. نتایج ضریب کجی و ضریب کشیدگی نشان داد با توجه به معیار نرمال بودن، متغیرهای پژوهش همگی دارای قدر مطلق ضریب کجی و ضریب کشیدگی کوچک‌تر از ۲ هستند و لذا تخطی از نرمال بودن داده‌ها قابل مشاهده نبود. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف نیز گویای نرمال بودن توزیع پراکندگی متغیرهای پژوهش بود ( $P > 0/05$ ). در الگوی پیشنهادی رفتارهای انحرافی به عنوان متغیر پیش بین (مستقل) و سبک‌های هویت و هوش اخلاقی به عنوان متغیر ملاک (وابسته) و گرایش به هنر به عنوان متغیر میانجی هستند. برازندگی الگوی پیشنهادی بر اساس ترکیبی از سنج‌های برازندگی جهت تعیین کفایت برازش الگوی پیشنهادی با داده‌ها مورد استفاده قرار گرفتند که نتایج آن در جدول (۳) گزارش شده است.

جدول شماره (۳): شاخص‌های برازش مدل سبک‌های هویت و هوش اخلاقی  
با نقش میانجی گرایش به هنر در رابطه با رفتارهای انحرافی

شاخص اشتراک	ضریب تعیین $R^2$	شاخص
۰,۵۴	۰,۶۹۹	ارزیابی برازش مدل فرضیه اول
۰,۵۱	۰,۵۷۶	ارزیابی برازش مدل فرضیه دوم
۰,۵۸	۰,۸۱۹	ارزیابی برازش مدل فرضیه سوم (مدل کلی)

فرضیه اول: سبک‌های هویت بر رفتارهای انحرافی نوجوانان اثر مستقیم دارد.  
فرضیه دوم: هوش اخلاقی بر رفتارهای انحرافی نوجوانان اثر مستقیم دارد.  
فرضیه سوم پژوهش: گرایش به هنر در رابطه بین سبک‌های هویت و هوش اخلاقی با رفتارهای انحرافی نوجوانان نقش میانجی را دارد.

در مدل مفهومی فرض می‌شود که رفتارهای انحرافی با سبک‌های هویت و هوش اخلاقی با متغیر میانجی گرایش به هنر رابطه دارد. در نهایت بررسی مدل اصلی پژوهش به صورت شکل (۲) است. این فرایند نیز با استفاده از مدل معادلات ساختاری و روش حداقل مربعات جزئی صورت گرفت. شکل (۲) نشان دهنده مسیرهای مدل فرضی سبک‌های هویت و هوش اخلاقی با متغیر میانجی گرایش به هنر در ارتباط با رفتارهای انحرافی است.



شکل شماره (۲): مسیرهای مدل فرضی نقش سبک‌های هویت و هوش اخلاقی  
با نقش میانجی گرایش به هنر در رابطه با رفتارهای انحرافی

در جدول (۴) ضرایب مسیر به همراه مقادیر معناداری آورده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، همه مسیرها مورد پذیرش قرار گرفته شده است.

جدول شماره (۴): ضرایب مسیر، مقادیر معناداری و وضعیت آن‌ها

وضعیت	مقدار تی	ضریب مسیر	مسیر	تعمد
تأیید شد	۲۲,۲۹۷	۰,۷۳۱	گرایش به هنر	←
تأیید شد	۲۲,۳۹۹	۰,۷۳۵	گرایش به هنر	←
تأیید شد	۲۲,۳۳۸	۰,۷۳۳	گرایش به هنر	←
تأیید شد	۲۲,۴۳۰	۰,۷۳۸	گرایش به هنر	←
تأیید شد	۲۲,۴۹۱	۰,۷۴۱	گرایش به هنر	←
تأیید شد	-۲۲,۶۱۴	-۰,۷۴۷	رفتارهای انحرافی	←
تأیید شد	-۲۲,۶۷۵	-۰,۷۵۲	رفتارهای انحرافی	←
تأیید شد	-۲۲,۸۳۸	-۰,۷۵۸	رفتارهای انحرافی	←
تأیید شد	-۲۲,۷۴۶	-۰,۷۵۴	رفتارهای انحرافی	←
تأیید شد	-۲۲,۸۶۹	-۰,۷۶۱	رفتارهای انحرافی	←
تأیید شد	-۲۲,۵۸۳	-۰,۷۴۴	رفتارهای انحرافی	←

نرم افزار ضرایب مسیر و عدد معناداری مربوط به هر یک از ضرایب را ارائه می‌کند. در سطح اطمینان ۹۵ درصد اعداد معناداری بالاتر از ۱,۹۶ نرم افزار ضرایب مسیر و عدد معناداری مربوط به هر یک از ضرایب را ارائه می‌کند. در سطح اطمینان ۹۵ درصد اعداد معناداری بالاتر از ۱,۹۶ نشان دهنده تأیید فرضیه مربوطه هستند. در جدول (۴) فرضیه‌های پژوهش به همراه ضرایب همبستگی و اعداد معناداری آن آورده شده است. همان گونه که در جدول (۴) مشاهده می‌شود فرضیه اول پژوهش "سبک‌های هویت بر رفتارهای انحرافی نوجوانان اثر مستقیم دارد" و فرضیه دوم پژوهش "هوش اخلاقی بر رفتارهای انحرافی نوجوانان اثر مستقیم دارد" و فرضیه سوم "گرایش به هنر در رابطه بین سبک‌های هویت و هوش اخلاقی با رفتارهای انحرافی نوجوانان نقش میانجی را دارد" تأیید شد. لازم به ذکر است که در صورتی که عدد معناداری بزرگ‌تر از ۲,۵۸ باشد رابطه در سطح اطمینان ۰/۹۹ نیز معنادار است. برای بررسی میزان تأثیر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته لازم است تا اثرات کل، مستقیم و غیر مستقیم برای متغیر درون‌زای مدل ارائه شود که این اثرات در جدول (۵) قابل مشاهده است.

جدول شماره (۵): تفکیک اثرات، مستقیم، غیر مستقیم فرضیه اصلی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مستقیم	غیر مستقیم	اثر کل
تعمد	گرایش به هنر	۰,۷۳۱	-----	-----
تعمد	رفتارهای انحرافی	-۰,۷۴۷	۰,۷۳۱ * -۰,۷۴۴ = -۰,۵۴۳	-۱,۲۹۰
سردرگم	گرایش به هنر	۰,۷۳۵	-----	-----
سردرگم	رفتارهای انحرافی	-۰,۷۵۲	۰,۷۳۵ * -۰,۷۴۴ = -۰,۵۴۶	-۱,۲۹۸

هنجاری	گرایش به هنر	۰,۷۳۳	-----	
هنجاری	رفتارهای انحرافی	-۰,۷۵۸	۰,۷۳۳ * -۰,۷۴۴ = -۰,۵۴۵	-۱,۳۰۳
اطلاعاتی	گرایش به هنر	۰,۷۳۸	-----	
اطلاعاتی	رفتارهای انحرافی	-۰,۷۵۴	۰,۷۳۸ * -۰,۷۴۴ = -۰,۵۵۰	-۱,۳۰۴
هوش اخلاقی	گرایش به هنر	۰,۷۴۱	-----	
هوش اخلاقی	رفتارهای انحرافی	-۰,۷۶۱	۰,۷۴۱ * -۰,۷۴۴ = -۰,۵۵۱	-۱,۳۱۲
گرایش به هنر	رفتارهای انحرافی	-۰,۷۴۴	-----	

همان‌طور که در جدول (۵) قابل مشاهده است:

تأثیر تعهد بر رفتارهای انحرافی با نقش میانجی گرایش به هنر به میزان  $-۱,۳۹۰$  است. تأثیر جهت‌گیری سردرگم بر رفتارهای انحرافی با نقش میانجی گرایش به هنر به میزان  $-۱,۳۹۸$  است.

تأثیر جهت‌گیری هنجاری بر رفتارهای انحرافی با نقش میانجی گرایش به هنر به میزان  $-۱,۳۰۳$  است.

تأثیر جهت‌گیری اطلاعاتی بر رفتارهای انحرافی با نقش میانجی گرایش به هنر به میزان  $-۱,۳۰۴$  است.

تأثیر هوش اخلاقی بر رفتارهای انحرافی با نقش میانجی گرایش به هنر به میزان  $-۱,۳۱۲$  است. بنابراین، چنین استنباط می‌شود که گرایش به هنر در رابطه بین سبک‌های هویت و هوش اخلاقی با رفتارهای انحرافی نوجوانان نقش میانجی را دارد. لازم به ذکر است که در صورتی که عدد معناداری بزرگ‌تر از  $۲,۵۸$  باشد رابطه در سطح اطمینان  $۰/۹۹$  نیز معنادار است.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تعیین اثر سبک‌های هویتی، هوش اخلاقی با نقش میانجی گرایش به هنر بر رفتارهای انحرافی نوجوانان بود. با توجه به مدل نهایی پژوهش به طور کلی اثرات مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم در صد قابل توجهی از متغیر رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان توسط سبک‌های هویت، هوش اخلاقی، و گرایش به هنر قابل تبیین می‌باشد و به طور کلی مدل پژوهش مورد تایید واقع گردید. در دوران بلوغ، خانواده‌ها شاهد تحول در زمینه فرهنگی، اخلاقی و دینی نوجوانان هستند. بسیاری از نوجوانان مشکل دار، دچار رشد نایافتگی و خودمحوری هستند. رشد ارزش‌ها و باورهای اخلاقی، پدیده بسیار پیچیده‌ای است و باید جوانب مختلف شناختی، عاطفی، رفتاری و فرهنگی-اجتماعی آن را مورد توجه قرار داد. اختلال در روابط نوجوانان با خانواده، زمینه جدایی نوجوانان از بافت خانواده را فراهم می‌سازد (۳۸). لذا دست یافتن به هویتی منسجم و یکپارچه که بتواند تمامی این جوانب را هماهنگ و همراستا سازد، از ضروریات این دوره برای نوجوانان محسوب می‌شود.

مشکلات اجتماعی - اقتصادی و اجتماعی - اخلاقی به سختی قابل پیش‌بینی جامعه مدرن (در مرحله توسعه جامعه ما)، مشکل تربیت و شکل‌گیری نوجوانان را تشدید کرده است که بر روند سازگاری و اجتماعی شدن آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد. این موضوع در سطوح مختلف حقوقی، پزشکی، روانی، اجتماعی مطرح می‌شود. توجیه نظری در نوجوانی این است که هویت یک مرحله از شکل‌گیری را طی می‌کند که در منطقه رشد ذهنی نزدیک است. هویت و شناسایی خود، از ویژگی‌های مهم خودآگاهی است. شناسایی به موقع اختلالات شناسایی، تشخیص انحرافات در شکل‌گیری هویت در نوجوانان را ممکن می‌سازد که هم برای تشخیص شخصیت نوجوانان دارای رفتار انحرافی و هم برای اصلاح آن‌ها بسیار مهم است (۴۴). از این میان می‌توان علاوه بر مولفه هویت، مولفه‌های دیگری هم‌چون هوش اخلاقی، هنجارهای اجتماعی را هم نام برد. مشکل شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان دارای رفتار انحرافی، ضرورت جستجوی فاکتورها و عوامل جهت‌دار و غیر مستقیم برای کار با نوجوانان را با در نظر گرفتن ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها پیش روی مولف قرار می‌دهد، که بر رفتارهای انحرافی تأثیرگذار است. در پژوهش حاضر مولفه‌های سبک‌های هویت، هوش اخلاقی، به عنوان فاکتورهای مستقیم تأثیرگذار بر رفتارهای انحرافی و گرایش به هنر به عنوان متغیر واسطه‌ای و میانجی تأثیرگذار بر رفتارهای انحرافی نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته که نتایج حاصله همگی در جهت تأیید فرضیه‌های پژوهش بودند. نتایج این پژوهش در جهت روابط این متغیرها با نتایج پژوهش کیوترانی اصفهانی و همکاران (۳۶)، شه‌بازی و همکاران (۵۴)، حمیدی‌پور و رجیبی (۳۰)، بهرامی و همکاران (۶)، خونیک - سنی و سلیمانی (۵۵)، دیمانت و همکاران (۱۶)، پابین (۴۸)، اودریس (۵۸)، فولی و همکاران (۲۳)، همسو می‌باشد. تمامی یافته‌ها حاکی از آن بوده که سبک‌های هویت و هوش اخلاقی نقش مهمی در تبیین و بروز رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان دارند؛ بنابراین در برنامه‌های آموزشی برای کاهش و یا پیشگیری از رفتارهای پرخطر باید به این مؤلفه‌ها توجه نمود (۵۵). در پژوهش حاضر که به پیش‌بینی رفتارهای انحرافی بر اساس سبک‌های هویت، هوش اخلاقی در نوجوانان پرداخته شده، عوامل پیش‌بینی کننده کاهش رفتارهای پرخطر را تبیین نموده است. از این میان عامل تعهد از قسمت سبک‌های هویت بیشترین تأثیر و جهت‌گیری اطلاعاتی کمترین میزان تأثیرگذاری نسبت به بقیه ابعاد سبک‌های هویتی را داراست. از دیگر متغیرها می‌توان به هوش اخلاقی و گرایش به هنر اشاره نمود که به صورت جداگانه مبین پیش‌بینی کاهش رفتار انحرافی می‌باشند تمامی مسیرهای معناداری تأیید شد و فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون و تأیید قرار گرفتند. در تبیین این فرضیه می‌توان بیان نمود توافق در مورد سن جرم (۲۰)، نشان می‌دهد که نوجوانان بیشتر از گروه‌های بزرگسالان درگیر رفتارهای انحرافی می‌شوند. رفتارهای انحرافی مصادیق گوناگونی دارد. پدیده رفتارهای انحرافی شامل نقطه مرکزی در موضوعات علوم اجتماعی می‌شود. شاید به دلیل این که به اخلاق و ترتیب‌های مهم اجتماعی مربوط می‌شود. طیف گسترده موارد مرتبط با تعاریف و مطالعه رفتارهای انحرافی سطحی از پیچیدگی این پدیده را نشان می‌دهد که بر تأثیر رفتارهای انحرافی، هم بر زندگی فردی و هم بر

ماکروسیستم تاکید می‌کند. انحراف از اخلاق و قوانین اساسی مربوط به فرهنگ مشخص می‌شود. رفتارها در سطح فردی، بر رفتار در سطح اجتماعی تاثیر دارد. بر اساس دیدگاه کلان، انحراف در مقابل کنترل اجتماعی قرار دارد (۶). انحراف‌های اجتماعی، ایزوله شدن و غیر قابل قبول بودن را در جامعه نشان می‌دهند. در مقابل، تحریم‌ها و محدودیت‌هایی مانند شرم و احساس گناه (عذاب وجدان متعارف) باعث پذیرش فرد در جامعه می‌شود (۴۸). یکی از مکانیسم‌های درونی کردن شرم و احساس گناه، به عنوان یک تمرین انضباطی، تمرکز بر به تصویر کشیدن رفتار نرمال و قاعده‌مند در جامعه است (۵۳). از طرفی رفتارهای انحرافی، به بافتی که فرد در آن زندگی می‌کند و درگیر است و یا برچسبی که جامعه می‌زند مرتبط است (۱۲). بنابراین ایجاد بافت فرهنگی که مناسب روحیه و توانایی و پتانسیل فرد باشد می‌تواند راهگشا باشد. یکی از این بافت‌های فرهنگی می‌تواند محیط هنری باشد که فرد در آن قرار دارد. هر یک از فرهنگ‌ها، بر جنبه خاصی از مسائل تاکید دارند. مثلاً برخی از فرهنگ‌ها صلح طلب‌تر هستند و برخی دیگر ناآرام. برخی از فرهنگ‌ها بر باورهای دینی تاکید می‌کنند و برخی دیگر، علوم و هنرها را محترم می‌شمارند (۳۸). با نگاهی کوتاه به فرهنگ چندین هزار ساله ایرانی، می‌توان دریافت که حیا، عفت، پاکدامنی، اخلاق و هنر جایگاه ویژه‌ای داشته و چه خوب است در زمانی که نوجوانان در حال پاسخگویی به سوال مهم (من کیستم؟) هستند و هویت خود را مورد کند و کاو قرار می‌دهند، با زنده کردن دوباره مولفه‌هایی نظیر اخلاق و هنر بتوان به آن‌ها کمک نمود.

با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان اذعان داشت با تعیین سبک‌های هویت، ایجاد سازه‌های هنجارهای اجتماعی و برجسته نمودن هوش اخلاقی نوجوانان می‌توان از گرایش آن‌ها به رفتارهای پرخطر کاست؛ چرا که در هر روش تربیتی قید شده است اگر فردی را از مشکل یا عادت رفتاری منع می‌کنید باید جایگزین مناسب ارائه دهید. در واقع با شناسایی این عوامل و تقویت آن‌ها به صورت غیر مستقیم به کاهش رفتارهای پرخطر نوجوانان کمک خواهد شد. لذا آموزش و پرورش به دلیل متولی بودن و داشتن نقش عمده در اجتماعی شدن دانش‌آموزان باید، برنامه‌های آموزش بر اساس متغیرهای پژوهش را در اولویت قرار دهد تا موجب بهبود عملکرد دانش‌آموزان شده که به نوبه خود موجب کاهش جرم و جنایت و بزه در جامعه و در نتیجه شهروند فرهیخته را رقم خواهد زد. این مقاله، متغیرهای مؤثری را برای پیشگیری و اصلاح رفتارهای انحرافی در نوجوانان، بر اساس سبک‌های هویت، هوش اخلاقی و استفاده از اشکال مختلف هنری ارائه می‌دهد؛ اگر چه هیچ نتیجه قطعی در مورد اشکال هنری که به بهترین شکل "کار می‌کنند" حاصل نشده است، اما می‌توان برخی الگوهای کلی و نتیجه‌گیری‌های اولیه را تدوین کرد:

مشارکت دادن نوجوانان در فرآیند تصمیم‌گیری در مورد موضوع یک پروژه هنری، فضایی از حس مالکیت ایجاد می‌کند. توصیه می‌شود کار را با پروژه‌های هنری شروع کنند که موفقیت فوری را به همراه دارند. با پیشرفت کلاس‌ها، نوجوانان باید فرصت داشته باشند تا در پروژه‌هایی که زمان بیشتری را می‌طلبند، شرکت کنند. صرف‌نظر از نوع هنری که در نهایت انتخاب می‌شود، ترجیح داده شده‌ترین شکل‌ها برای نوجوانان، فعالیت‌های کوتاه مدتی هستند که می‌توانند به سرعت موفقیت را به رسمیت بشناسند.

با توجه به این که پژوهش حاضر از نوع مطالعات همبستگی است و در این مطالعات نمی‌توان ادعای برقراری رابطه علت و معلولی بین متغیرها داشت، این از محدودیت‌های این پژوهش بود. همچنین این مطالعه فقط بر روی دانش‌آموزان متوسطه اول شهرستان نکا انجام شد و این تعمیم نتایج به کل جامعه را با مشکل مواجه می‌سازد. محدودیت دیگر عدم کنترل متغیر مداخله‌گر دیگری هم‌چون وضعیت اجتماعی اقتصادی بود. لذا پیشنهاد می‌شود به منظور رفع این محدودیت‌ها، پژوهش‌های دیگری با در نظر گرفتن این متغیر و در سطح وسیع‌تری انجام گیرد.

### **سپاسگزاری**

نویسندگان از تمامی افراد شرکت کننده در پژوهش، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

### **تعارض منافع**

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

## منابع

1. Adams, G. R. (2010). Ego stage identity status development cross sequential analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 43, P.p: 574-583.
2. Al behbahani, Marjan. (2015). Moral intelligence, Identity styles and Adjustment in adolescent. *The European Proceedings of Social & Behavioural Sciences* <http://dx.doi.org/10.15405/epsbs.2015.01.10>. Volume. (Persian).
3. Alizadeh A. A. (2004). Problems of the modern Azerbaijani school. Baku.
4. Alizadeh, Zahra. (2018). The Relationship between Moral Intelligence and Emotional Intelligence with Ethical Behavior. *Ethics in Science and Technology*, 13 (2), P.p: 167-174. SID. <https://sid.ir/paper/122955/>(Persian).
5. Azimov, QE. (2004). Modern problems of mental development and education. Baku.
6. Bahrami, Jila; Zandi, Farzad; Akbari, Maryam; Jadidi, Houshang. (2012). Developing a causal model of risky behaviors based on social capital and responsibility with the mediating role of moral identity (a case study of Kermanshah medical students). *Journal of Strategic Studies of Sports and Youth* 49, (19), P.p: 53-72. (Persian).
7. Beguy, D., Egondi, T., Zulu, E. M., & Jessor, R. (2011). Adolescent problem behavior in Nairobi's informal settlements: applying problem behavior theory in SubSaharan Africa. *Journal of Urban Health*, 88 (2), P.p: 298-317. [<https://link.springer.com/article/10.1007/s11524-010-9462-4>]
8. Berzonsky, M. D. & Kuk, L. S. (2005). Identity style, psychological maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences* 39, P.p: 235-247.
9. Berzonsky, M. D. & Neimeyer, G. J. (1988). Identity status and personal construct system, *Journal of Adolescence*.
10. Bibi, S; Masood, S; Mussawar, B; Khaliq, A. (2021). Relationship between Self Concept and Deviant Behavior among Adolescents. *Sci J Neurol Neurosurg*. 30; 7 (1): P.p: 007-013.
11. Bolshakova, J; Bolshakov, S. & Prokofiev, V. (2021). Means and Methods of Prevention and Correction of Deviant Behavior of Adolescents by Means of Art Education and Cultural Studies. In SOCIETY. INTEGRATION. EDUCATION. Proceedings of the International Scientific Conference. Vol. 4, P.p: 515-527.
12. Cioban, S; Lazăr, AR; Bacter, C; Hatos, A. (2021). Adolescent Deviance and Cyber-Deviance. A Systematic Literature Review. *12;12:748006*. doi: 10.3389/fpsyg.2021.748006.eCollection 2021.
13. Cohen, Bruce. (1992). *An Introduction to Sociology*. Translated by Mohsen Salasi, Tehran: Contemporary Farhang.
14. D. L. Elkins- Abuhoff, Et Al. (2010). The impact of education and exposure on art therapist identity and perception *Art Therapy: Journal of the American Art Therapy Association*.
15. De Groot, M. H; Franken, I, H. A; Van der Meer, C. W & Hendriks, V. M. (2003). Stability and change in dimensional ratings of personality disorders in drug abuse patients during treatment. *Journal of Substance Abuse Treatment*. No. 24 [2], P.p:115-120.
16. Demant, D; Oviedo- Trespalacios, O; Carroll, J. A; Ferris, J. A; Maier, L; Barratt, M. J. & Winstock, A. R. (2018). Do people with intersecting identities report more high-risk alcohol use and lifetime substance use? *International journal of public health*, 63 (5), P.p: 621-630. [<https://link.springer.com/article/10.1007/s00038-018-1095-5>]
17. Dicenso, M; Alba, B; Thomas, H; Devlin, M. C; Goldsmith, C. H; Willan, A; Singer, J; Marks, S; Watters, D; Hewson, S. (1997). Evaluation of an educational program to prevent adolescent pregnancy. *Health Education and Behavior*, 24, P.p: 300-312.

18. Elkins- Abuhoff, D. L; Gaydos, M; Rose, S. & Goldblatt, R. (2010). The Impact of Education and Exposure on Art Therapist Identity and Perception. *Art Therapy*, 27 (3), P.p: 119–126. <https://doi.org/10.1080/07421656.2010.10129666>
19. Erikson, E. H. (1968). *Identity; Youth and crisis*, New York: Norton.
20. Farrington, D. P. (2017). *Integrated Developmental and Life-Course Theories of Offending*. New York, NY: Transaction Publishers.
21. Feen- Calligan, H. (2012). Professional identity perceptions of dual-prepared art therapy graduates *Art Therapy: Journal of the American Art Therapy Association*.
22. Fingerhut, J; Gomez-Lavin, J; Winklmayr, C. & Prinz, J. J. (2021). The aesthetic self. The importance of aesthetic taste in music and art for our perceived identity. *Frontiers in psychology*, 11, 577703.
23. Foley, J. E; Ram, N; Susman, E. J. & Weinraub, M. (2018). Changes to sleep- wake behaviors are associated with trajectories of pubertal timing and tempo of secondary sex characteristics. *Journal of adolescence*, 68, P.p: 186-171.
24. Garavand, Houshang. (2014). Structural modeling of identity styles with a tendency to risky behaviors in students: the mediating role of emotional alexithymia. *Scientific Quarterly of Addiction Research*. Volume. 16, Issue. 66, P.p: 113-144. (Persian).
25. Ghazanfari, Ahmad. (2004). Validation and norming of the Identity Style Questionnaire (ISI-6G). *Educational and Psychological Studies*, 5 (1), P.p: 81-94. SID. <https://sid.ir/paper/99378/>. (Persian).
26. Ghormozi, Khodadad. (2014). The relationship between moral intelligence and social skills with academic performance of Shiraz nomadic high school students, Master's thesis in Educational Management, Islamic Azad University, Marvdasht Branch.
27. Giddens, Anthony. (2003). *Sociology*. Translated by Manouchehr Sabouri. Tehran: Ney Publishing.
28. Good, R. & Belfi, C. (2010). Young people s romantic attachment styles and their association with well- being. *Journal of Adolescence*, 25 (2), P.p: 243- 255.
29. Habibi, Arash; Kolahi, Bahareh. (2012). *Structural Equation Modeling and Factor Analysis*. Tehran: Jahad Daneshgahi, Second Edition. (Persian).
30. Hamidipour, Rahim; Rajabi, Fatemeh. (2018). Predicting the feeling of social security based on social identity, cultural intelligence and spirituality. *Strategic Research on Security and Social Order* 7 (1). (Persian).
31. Hamzayev, M. A. (2003). *Fundamentals of age and pedagogical psychology*. Baku.
32. Hejazi, Elaheh; Naqib, Farzaneh. (2013). Reflections on the identity and experience of infertile women: A journey through perspectives of social psychology, counseling, and psychotherapy. Tehran: Avae Noor. (Persian).
33. Hersey, Paul. and Blanchard, Kenneth. (2007). *Management-Organizational Behavior*, Translated by: Alaqband, Ali, Amirkabir Publications, 17th edition, 2001.
34. Holland, J. L. (1997). *Making vocational choices: A theory of vo-cational personalities and work environments* rd Ed.). Odes-sa, FL: Psychological Assessment Resources.
35. Janz, N. K; Becker, M. H. (1984). The Health Belief Model: A decade later. *Health Education Quarterly*, 11, P.p: 1-47.
36. Kabotari Esfahani, Faizeh; Abedi, Ahmad; Qomrani, Amir. (2016). The effectiveness of spiritual intelligence training on the components of mental well-being of gifted students. *Positive Psychology Research*. 2 (1). (Persian).

37. Lennick, D. & F. Kiel. (2005). *Moral Intelligence Enhancing Business Performance and Leader Ship Success*. New Jersey: Wharton School of the University of Pennsylvania and Pearson Education.
38. Lotfa Abadi, Hossein. (2019). *Developmental Psychology 2, Adolescence, Youth and Adulthood*, Samt Publications. (Persian).
39. Miri, Somayeh; Sohrabzadeh, Mehran; Khoshbian Arani, Fatemeh. (2023). Investigation of social factors affecting the tendency to commit deviant behaviors of students of Sistan and Baluchestan University. *Sociological Studies of Tabriz University Branch*. Issue. 1. (Persian).
40. Mohammadzadeh, A. and Ahmadabadi, Z. (2008). Co-occurrence of high-risk behaviors among high school adolescents in Tehran. *Family Studies*, 4 (1), P.p: 187-100. (Persian).
41. Mokhtaripour, Marzieh; Sayadat, Ali. (2009). Management with moral intelligence. *Tadbir*, (205), 0-0. SID <https://sid.ir/paper/472763/>(Persian).
42. Najafov, R. (2025). Article Not peer-reviewed version.
43. Nematollahi, Zahra; Taheri, Zahra. (2022). Investigation of the relationship between types of family capital and the tendency to risky behaviors (case study: urban and rural students of the second high school of Al-Shatar city). *Journal of Strategic Research on Social Issues*. Issue. 40, P.p: 93-122. (Persian).
44. Oksana Isaakian, Marina Lukyanenko. (2020). Research on the social identity of adolescents with deviant behavior E3S Web of Conferences 210, 19025.
45. Omidvar, Saeed; Ghermez, Khodamorad; Azhdari, Amir Arsalan; Omidvar, Abuzar. (2015). The relationship between spiritual intelligence with self-regulation and academic performance of students. *Studies in Psychology and Educational Sciences*, 1 (14), P.p: 70-51.
46. Orki, H. (2010). Creative arts therapies students' professional identity and career commitment: A brief pilot study report. *The Arts in Psychotherapy*.
47. Orkibi, H. (2012). Students' artistic experience before and during graduate training. *The Arts in Psychotherapy*.
48. Payne, A. A. and Welch, K. (2016). The centrality of schools in the lifecourse: the case for focusing on school-related influences in developmental theory and research. *Deviant Behav.* 37, P.p: 748-760.
49. Rostami, Nir; Rad, Firouz. (2013). Investigating social factors related to students' tendency to abnormal behaviors: A study of female high school students in Ahar city, *Sociological Studies*, Year. 5, Issue. 20, P.p: 55-75. (Persian).
50. Rowden, Mark. (2017). *The art of identity: creating and managing a successful corporate identity* Routledge.
51. Safaei, Mehronush. (2013). Moral Intelligence and Its Seven Virtues. *Raz Magazine*, Issue. 2. (Persian).
52. Samandarova, AF. (2005). Some socio-psychological issues of the general deterrent purpose of punishment/ *Psychology*. Baku, No. 3, P.p: 87-100.
53. Schwartz, J. A; Solomon, S. J. and Valgardson, B. A. (2019). Socialization, selection, or both? The role of gene-environment interplay in the association between exposure to antisocial peers and delinquency. *J. Quant. Criminol.* 35, P.p: 1-26.
54. Shahbazian Khanicheh A; Hasni, O; Soleimani, S. (2018). The study of the role of ethical and social intelligence in high risk behaviors of Kurdistan University of Medical Sciences students in the academic year of 2011-2012. *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences*, 17 (1), P.p: 39-52. (Persian).

- 
55. Shahbazian Khunigh, Arash; Hassani, Omid; and Soleimani, S. (2018). Investigating the role of moral and social intelligence in risky behaviors of students of Kurdistan University of Medical Sciences in the academic year 2016-2017. *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences*, 17 (1), P.p: 39-52. (Persian).
  56. *Social Sciences Growth Quarterly*. (2007). Spring, P.p: 22-25.
  57. Tabachnick, B. & Fidell, L. (2007). *Using multivariate statistics (5th edn)* New York. NY: Allyn and Bacon.
  58. Udris, R. (2016). Cyber deviance among adolescents and the role of family, school, and neighborhood: a cross-national study. *Int. J. Cyber Criminol.* 10, P.p: 127-146.